

بسم الله الرحمن الرحيم

شرح خطبه فدکیه - جلسه پنجم

در اولین روزهای بعد از رحلت پیامبر صلی الله و آله و سلم که خلافت دست ابوبکر افتاد، عاملین حضرت را از فدک خارج کرد و فدک را غصب کرد با اینکه مالکیت حضرت رسول صلی الله و آله و سلم در زمان حیات، تام بود، ادعا کردند پیامبران مالی به ارث نمی‌گذارند؛ مگر اینکه کسی شاهی بیاورد که هبه یا فئ بوده است. جهت اول، فساد مبنا بود چون بر پیامبر صلی الله و آله و سلم نیز مثل سایر مسلمین احکام توارث جاری است و جهت دوم اینکه فرض کنیم مسئله ارث برای پیامبر نباشد پس باید شاهد بیاورید و حضرت شاهد آوردند. حضرت زهرا سلام الله علیها به شکل‌های مختلف تظلم خواهی کردند. یک سری گزارش آمده که ابوبکر شهادت را قبول کرد؛ ولی عمر نامه ابوبکر را پاره کرد و ابوبکر تسلیم عمر شد. در گزارش دیگر آمده که ابوبکر اصلاً شهود را قبول نکرد. نکته اول وجود دو قاعده است یکی قاعده "ید" به معنای مطلق التصرف بودن است؛ یعنی نشان دهنده ملک است. تقریباً در تمام گزارش‌ها آمده ابوبکر عاملین حضرت را خارج کرد و این به آن معناست که حضرت مالک فدک بودند. دیگری قاعده ظهور اعلی؛ یعنی دو طرف ادله و شهودی دارند و هر طرف دعوا عنوانی پیدا می‌کند یک طرف مدعی و یک طرف منکر است و کسی که مدعی است باید شاهد بیاورد و منکر فقط باید سوگند بخورد. راه تشخیص مدعی و منکر این است که مدعی اگر کنار برود، دعوا خاتمه پیدا می‌کند. در این دعوا مدعی جناب خلیفه است و منکر حضرت زهرا سلام الله علیها است منکر نیاز به شهود ندارد و سوگند برای او کافیست و مدعی باید شهود بیاورد و این

مسئله درخواست شهود از حضرت خلاف فقه قضایی اسلامی بود در هیچ جایی نیامده ابوبکر به عنوان منکر قسم خورده باشد؛ پس او غاصب است و رفتار او باطل می باشد. در گزارشی آمده: حضرت علی علیه السلام در یک دفاع فرمودند شما باید شاهد بیاورید و به همین مطلب اشاره فرمودند. نکته دوم اینکه در مسئله بینه و ارائه شهود در دعوا ضوابط تعبدی است ولی راه تشخیص، ظنی است و قطعی نیست و راه اصلی تشخیص آن علم و قطع است چه در مقام حاکم چه در مقام قضا و چه در مقام افتاء، اصل اول یقین است؛ مثلاً مسئله شهود و ادله و اقرار، به اعتبار جهل معنا پیدا می کند. یقین عقلایی در مرتبه اول وجود دارد و این علم مقدم بر شهود است و در این صورت نباید دنبال شهود باشند. مسئله شهود بعد از نبود یقین اعتبار پیدا می کند حضرت زهرا سلام الله علیها ادعا کننده هستند که به نص قرآن از هرگونه پلیدی و آلودگی منزّه هستند و اهل سنت به طور کامل این موضوع را قبول دارند بضعه النبی، حوراء انسیه، سرور زنان بهشت و ... چنین شخصیتی به خاطر یک مسئله دنیایی دچار دروغ و ادعای کذب شوند؟ حضرت علی علیه السلام فرمودند: «ای ابوبکر! اگر همه شهود بر خلاف فرمایش حضرت زهرا سلام الله علیها ثابت کنند آیا حد را بر حضرت جاری می کنی؟» گفت: «بله، جاری می کنم.» حضرت علی علیه السلام فرمودند: «قطعاً تو کافر شده ای؛ چون خدا می فرماید: او مبرا است و اگر چند شاهد بگویند او دروغ می گوید، تو طرف شاهدان هستی و در مقابل خدا قرار گرفته ای. رد حضرت زهرا سلام الله علیها؛ یعنی رد خدا و تمام مسلمات اسلام.» حضرت علی علیه السلام که عین حق و تقسیم کننده بهشت و جهنم هستند؛ پس چطور می شود این حدیث را رد کرد؟ احمد حنبل نقل کرد خداوند فرموده است: کسی که علی علیه السلام را دوست بدارد او را وارد بهشت می کنم و کسی که با علی علیه السلام دشمن باشد او را وارد جهنم می کنم. اگر مطلب حقی در عالم باشد توسط حضرت علی علیه السلام بیان می شود و ما باید به حرف شهود اعتنا کنیم؟ ام ایمن با آن

مقام بالا شهادت می‌دهد، حسنین علیهما السلام در بعضی گزارش‌ها آمده که شهادت می‌دهند. اگر قرار باشد چیزی ثابت شود و آنها نتوانند ثابت کنند؛ پس چه کسی می‌تواند ثابت کند؟ نکته سوم اینکه خزیمه ابن ثابت که از یاران امام علی علیه السلام بود می‌گفت: علی علیه السلام شایسته‌ترین فرد برای خلافت است در جنگ جمل پرچمدار بود و در جنگ صفین به شهادت رسید امام علی علیه السلام در روزهای پایانی عمر فرمودند: «کجایند برادران من که پا در رکاب جهاد و شهادت و مبارزه گذاشتند؟» عمار، ذو الشهادتین و... که عهد شهادت بستند و سرهای آنها برای سران دشمن رفت ذو الشهادتین لقب خزیمه بن ثابت بود؛ یعنی شهادت او به اندازه دو شهادت ارزش داشت. خزیمه با همه عظمت، موالی و فدایی امام علی علیه السلام بود و به مولا بودن حضرت افتخار می‌کرد حالا چطور شهادت خزیمه به اندازه دو شاهد می‌ارزد ولی شهادت امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیها قبول نیست؟

حوزه مجازی مهندس طلبه: www.onlinehawzah.com

شبکه‌های اجتماعی: [@onlinehawzah_com](https://www.facebook.com/onlinehawzah_com)

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجه